

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی  
۱۲ می ۲۰۱۸

## سلی دردناک مردم لبنان بر رخسار "مثلث مرگ"!!

وقتی خلاف برنامه های قبلی که می بایست "ترمپ" خروج از توافقنامه "برجام" را به تاریخ دوازدهم می یعنی امروز اعلام می داشت، وقتی آن کار را به تاریخ ۸ می انجام داد یعنی چهار روز زودتر از روز معهود، برای تعدادی از کسانی که قضایای بین المللی را نیز به مانند قضایای داخل کشور تعقیب می نمایند، این پرسش به وجود آمد که چرا چنین زود و عامل عجله "ترمپ" چه بود. از جمله با یک تن از دوستان و همکاران نزدیک پورتال نیز صحبتی بین ما در زمینه صورت گرفت. آنچه را در ذیل تقدیم تان می گردد در واقع فشره بحثی است که با دوست و همکار پورتال داشتیم و بنا به خواست وی تحریر یافته است. این که چه میزان از این تحلیل می تواند با واقعیت تطابق داشته باشد، مسأله ای نیست که من بتوانم در مورد قضاوت نمایم، من فقط آنچه را نگاشته ام که درک خودم از قضایا است، شاید کسان دیگر نظری کاملاً متضاد و یا مخالف برداشت من داشته باشند، در هر صورت مایه خوشحالی و مسرتم خواهد گردید، هرگاه دوستان در جهت اصلاح و تکمیل این نوشته پای پیش بگذارند:

۱- به نظر من اساسی ترین عامل عجله "ترمپ" در اعلام خروج از "برجام" به نحوی برخورد انتقام جویانه از ایران در قبال شکست اقتضاح آمیز "مثلث مرگ" یعنی آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی در سیاست های مربوط به لبنان بود. چه این را می دانیم که از نخستین روز های کار آمدن ترمپ، با روابط فوق حسنه ای که بین واشنگتن و ریاض و تل ابیب به وجود آمد، یکی از بزرگترین اهداف آنها در زمینه ضربت زدن به جمهوری اسلامی و دست وی را در منطقه از تحرکات سیاسی- نظامی کوتاه کردن، ایجاد افتراق بین "حزب الله- لبنان" با دولت آن کشور تحت سرپرستی "سعد حریری" و حرکت تحت قیادتش موسوم به "جنبش ۱۴ مارچ" بود.

آنها به همین منظور، "سعد حریری" را به بهانه یک مسافرت رسمی به عربستان کشانیده در آنجا وی را وادار ساختند تا از طریق اعلام استعفاء هر چه دو و دشنام سیاسی در چنته داشت نثار جمهوری اسلامی ایران و "حزب الله" نماید. وقتی توطئه استعفاء کشف شد و برنامه ای را که می خواستند با آن جنگ داخلی در لبنان را به وجود آورند ناکام ماند، فرانسه پای پیش نموده جهت ساختن یک بینی خمیری، "سعد حریری" را نخست به فرانسه و از آنجا واپس به لبنان فرستاد. سعد حریری که خانواده اش به مثابه گروگان در عربستان سعودی نگهداشته شده بود، بعد از ملاقات با رئیس جمهور لبنان، و پس گرفتن استعفاء با طرح انتخابات زود هنگام به نحوی خواست از یک جانب آبروی از دست رفته خودش و عربستان سعودی و بقیه اعضای "مثلث مرگ" را ترمیم نماید و از سوی دیگر با رفتن پای یک انتخابات جدید

و آنها در فضائی که از جانب مثلث مرگ به شدت مسموم و زهرآگین می گردد، از طریق انتخابات با کنار زدن "حزب الله" به مثابه دست راست جمهوری اسلامی ایران و عامل ایجاد تشنج بین لبنان و "مثلث مرگ"، نه تنها "حزب الله" را تحت فشار قرار دهند، بلکه دست ایران را از امور لبنان کوتاه نموده و با مشغول داشتن "حزب الله" در امور داخلی لبنان، رژیم اسد را در دمشق از بزرگترین حامی آن محروم ساخته در عمل امکان رشد مجدد "داعش" و سایر مزدوران غرب در سوریه را فراهم سازند.

این برنامه که با شدت از جانب تمام رسانه های امپریالیستی به خصوص "مثلث مرگ" تبلیغ می گردید، و تلاش می شد تا مردم لبنان را که به زعم آنها جهت بقای شان و نجات از چنگال خونین "حزب الله" و ایران، و راه یافتن به "جنات نعیم"ی که "مثلث مرگ" برای شان وعده می داد به پای صندوق های رأی بکشاند، وقتی انتخابات صورت گرفت و تعداد آراء شمارش شد، مردم لبنان که تجربه یک و نیم دهه جنگهای داخلی و تجاوزات خونین و مکرر اسرائیل بخشی از وجدان اجتماعی آنها را ساخته است خلاف تمام امید ها و آرزوهای "مثلث مرگ"، به جای گزینش نمایندگان وابسته و حتا نزدیک به "مثلث مرگ"، زن و مرد، شیعه و سنی، مسلمان و مسیحی، تقریباً در یک حرکت شبه اجماع رأی های شان را به نمایندگان "حزب الله" و سیاستمداران نزدیک به "حزب الله" دادند. در این انتخابات "حزب الله" گذشته از آن که در حوزه های انتخاباتی سابق پیروز میدان اعلام شد، در مناطق سنی نشین و مسیحی نشین نمایندگان آنها رأی بیشتر به دست آورده، پارلمان آن کشور را با اکثریت مطلق تصاحب نمودند.

این رأی گیری - بدون آن که وارد بحث های نقش پارلمان در کشور هائی مانند لبنان بگردیم و از آن قرینه سازی برای شرکت در پارلمان دولت دست نشانده و اداره مستعمراتی کابل نمایم- در عمل نشان داد که مردم لبنان با درک صد ها و هزاران اختلاف درونی بین خودشان در تشخیص تضاد عمده از غیر عمده دچار اشتباه نشده، در عمل نشان دادند که ممکن است با "حزب الله"، با "جمهوری اسلامی ایران" با رژیم "اسد" و در کل با این که فرزندان لبنان در دفاع از خاک سوریه و رژیم اسد کشته می شوند، مخالف باشند؛ مگر وقتی پای تعیین سمت اصلی مبارزه و تشخیص تضاد عمده از غیر عمده در میان باشد به هیچ وجه حاضر نیستند در آن دامی پای بگذارند که از طرف اشغالگران صهیونیستی برای آنها پهن شده است، آنها با این رأی گیری عملاً اعلام داشتند تا زمانی که یک وجب خاک لبنان در تصرف اسرائیل اشغالگر باشد و تا زمانی که یک سرباز اشغالگر در داخل خاک آنها وجود داشته باشد، حاضر اند حزب الله و جمهوری اسلامی که جای خود دارد با "شیطان" هم دست دوستی بدهند، تا بتوانند ضربتی بر پیکر و سیاست های اشغالگران و "مثلث مرگ" وارد نمایند.

وقتی نتایج انتخابات لبنان به تاریخ هفتم ماه می اعلام شد و "مثلث مرگ" متوجه شد که چه ضربتی از جانب مردم لبنان خورده اند و اگر نخواهند علیه آن اقدامی نمایند، زمین زیر پای شان را در دو انتخابات دیگر یعنی عراق و افغانستان در دو حوزه نفوذ و مستعمرات جدید شان خواهند باخت، می بایست کاری انجام دهند که بتواند جلو تکرار چنین شکست افتضاح آمیزی را برای آینده سد نمایند. جهت انجام این عمل آنها از دو طریق وارد میدان شدند، نخست تحریم انعکاس خبری انتخابات پارلمان لبنان از سرخط تمام رسانه ها در اقصا نقاط تحت نفوذ امپریالیزم - چنانچه در افغانستان کمترین انعکاس آن بازتاب نیافت- و در ثانی خلق یک چنان خبر جدیدی که بتواند، خبرشکست افتضاح آمیز "مثلث مرگ" در لبنان را به عقب براند، آن خبر چیزی نبود به غیر از اعلام بیرون شدن از "برجام" و آن را در محراق تمام اخبار و رسانه ها قرار دادن.

۲- به نظر من دومین دلیل این عجله چهار روزه، بر می گردد به تاریخ نهم می و روز شکست محتوم فاشیزم در مقابل ارتش سرخ شوروی متوفا.

این را می دانیم که یکی از بزرگترین دستاورد های سوسیالیزم و کشور شورا ها، به خاک مالیدن پوزة هارترین جناح سرمایه، یعنی فاشیسم و نظام فاشیستی هیتلر بود. خلق شوروی تحت رهبری داهیانة "ستالین" بزرگ، حزب کمونیست شوروی و ارتش سرخ، قادر شدند یکی از بزرگترین حماسه های تاریخ را با شکستادن و نابود نمودن ماشین جنگی فاشیسم به وجود آورند، این آن چیز است که تاریخ جهان در سینه اش ثبت نموده است؛ این را هم می دانیم که به مرور زمان با احیای سرمایه داری در شوروی و حاکمیت رویونیستها و سوسیال امپریالیستها بر شوروی، هم از جانب حاکمیت خاین به سوسیالیسم و آرمانهای کارگری و هم از جانب امپریالیستها سخت تلاش صورت می گرفت تا نخست ارتش های امپریالیستی را در شکست فاشیسم سهمیم نشان دهند و به تعقیب با تخطئه "ستالین" و وی را همتراز با "هیتلر" اعلام داشتن و چسپاندن اتهامات واهی به ارتش سرخ، این پیروزی بزرگ را نیز از آن خود اعلام بدارند. - کاری که امپریالیسم در سرعت دستاورد خلق ما یعنی پیروزی بر سوسیال امپریالیسم روس و آن پیروزی را به خود نسبت دادن از طریق چند تکنوکرات و مجاهد وطنفروش تلاش می ورزد-

این را هم می دانیم که این دستاورد بزرگ، با آمدن جاسوس غرب "یلتسین" نه تنها به فراموشی سپرده شد بلکه اینجا و آنجا از آن به مثابه لکه ننگی به دامن بشریت مسما گردید. فقط چیزی نمانده بود و نمانده است تا بر استخوانهای به جای مانده از "هیتلر" سرمایه معبدی بسازد که در آن به فاشیسم و جنایت سجده صورت گیرد، در چنین فضائستی که روسیه امپریالیستی بر ویرانه های به جای مانده از دولت شورا ها اعمار و مجدداً به پای ایستاده شده از در رقابت امپریالیستی خواست و می خواهد تا باز هم از دست آورد ارتش آن کشور قردانی کند. اینکار دقیقاً می بایست در تاریخ نهم می صورت می گرفت.

در نتیجه "ترمپ" این سگ زنجیری سرمایه که به هر طرفی حمله می کند، نخواست این امکان تبلیغاتی را برای حریفش پوتین فراهم نماید تا زیر عنوان غلبه بر فاشیسم، توانمندی و قدرت فعلی اش را به رخ دیگران بکشد. به همین منظور، "ترمپ" خلاف معمول چهار روز قبل از وقت معین خروج کشورش را از برجام اعلام داشت. در واقع انتخاب تاریخ هشتم می، هم می توانست و توانست ارزش خبری روز قبش را از بین ببرد و هم توانست اخبار روز بعد را نیز تحت شعاع قرار بدهد. که گفته اند با یک تیر دونشان-

۳- مسأله چهار روز جلو انداختن اعلام خروج از "برجام" در حدی مطبوعات غرب را نیز با خود مشغول ساخت، بدان معنا که عده ای آن را به مشکلات شخصی و حقوقی "ترمپ" نسبت دادند و عده ای دیگر نوشتند که "ترمپ" با این عمل خواست به جهانیان چهره دیگر خود را که همانا غیر قابل پیش بینی بودنش می باشد، نشان دهد. شاید این مسایل شخصی و خصوصی ترمپ هم در زمان اتخاذ تصمیمش نقشی داشته اند و ده ها عامل دیگر همچنین، مگر به نظر من دو عاملی که خود بر آنها تکیه نمودم، از اهمیت بیشتری برخوردار بودند.

از آنجائی که اصل قضیه را فقط خودش و مشاوران نزدیکش می دانند ما به خود حق می دهیم تا حدسیاتی در زمینه زده از آنها استنباط خود را نمائیم از همین رو تأکید می ورزم که سبلی مردم لبنان در انتخابات، چنان بر رخسار و حیثیت "مثلث مرگ" محکم و درآور بوده که اگر به ده ها کار مشابه برجام و یا حملات مجدد بر سوریه و حتا ایران دست بزنند، نمی توانند تأثیر آن سبلی را بزدايند. سبلی "نه" گفتن به خواست امپریالیستها!